

# دارِ مکافات:

## زنان، توسعه و روایت‌های آزار جنسی

لیلا پاپلی یزدی<sup>۱</sup>



<sup>۱</sup> هیئت علمی تعلیمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور، پژوهشگر گروه مطالعات تاریخی، دانشگاه

گوتنبرگ، سوئد

در سال ۹۲، با پنجاه نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان زن رشته‌ی باستان‌شناسی مصاحبه کردم.<sup>۱</sup> همان‌طور که بعدتر در مصاحبه و یادداشتی در این باب تذکر دادم، بیش از ۴۰ نفر از این زنان، خشونت‌های جنسی را در شکل‌های گوناگون تجربه کرده بودند. بعد از مصاحبه‌ی من<sup>۲</sup> و همکار و دوستم مریم دژم‌خوی<sup>۳</sup> اولین واکنش‌های منفی از سوی زنان همکار سابق بود. «خودشون لابد خواسته ان»، «کرم از خود درخته...»، «اگه راسته، چرا برای من اتفاق نیفتاده؟»... در آن ای‌میل‌های سهمگین روزهای پس از آن مصاحبه‌ها، تکرارشونده‌ترین عبارات نوعی فاصله‌گذاری را به ذهن متبادر می‌کرد. زن‌های پیام‌دهنده در حالتی تدافعی سعی می‌کردند خودشان را از همکاران و دانشجویان مورد تعرض‌شان جدا کنند. یک‌سال بعد وقتی یکی از همکاران سابق با به اشتراک گذاشتن عکس‌های خصوصی و گفتگوهای شخصی من که تصویر آنها را از فیس‌بوک کپی کرده بود، در محیط عمومی جامعه‌ی باستان‌شناسی تلاش کرد مرا در فشار قرار دهد، تصمیم گرفتم برای همیشه از آن فضا و صنف بیرون بیایم. دلیلش بیش از هر چیز سکوت زنان همکارم بود. انتظاری نداشتم کسی از من دفاع کند اما انتظار داشتم خودشان را در جایگاه من فرض کنند و بدانند قربانی بعدی آزارگر می‌تواند خود آنها باشد.

در رشته‌ی باستان‌شناسی این آزارها تباری طولانی دارد و شاید مشخص‌ترین آنها در تغییر واحدهای این رشته در سال ۱۳۶۵<sup>۴</sup> روی داده باشد که طی آن گروه

۱- نک. پاپلی یزدی، ل. ۱۳۹۲. در پس مه واپس ماندگی باستان‌شناسی ایران در امر جنسیتی. کند و کاو ۴(۵): ۱۱۰-۱۱۴.

۲- <https://b2n.ir/702742> باستان‌شناسی ایران نگاه جنسیتی دارد

۳- <https://b2n.ir/643839> - زنان باستان‌شناس جرات حرف زدن ندارند

۴- نک. <https://literature.ut.ac.ir/archeology>

باستان‌شناسی دانشگاه تهران تصمیم می‌گیرد زنان دانشجوی را از واحدهای کاوش حذف کند و آنها را برای کارآموزی به موزه بفرستد. در بین اعضای گروه تنها دو نفر، دکتر یوسف مجیدزاده و دکتر صادق ملک شهمیرزادی با این طرح مخالفت کردند و این طرح تا میانه‌ی دهه‌ی ۷۰ اجرا می‌شده است.<sup>۱</sup> این بدان معناست که رشته‌ی باستان‌شناسی احتمالاً یکی از تنها رشته‌های علوم انسانی که تلاش کرده تحقیر و آزار زنان را در ایران بعد انقلاب سازمان‌دهی و سیستماتیک کند، فشاری که به‌طور نظام‌مند شده تلاش کرده تا زنها مهارت‌های کمتری در رشته‌ی تحصیلی‌شان به دست بیاورند، از این نظر قابل مذاقه و بررسی است.

در سال‌هایی که در موزه‌ی ملی کار می‌کردم بارها از زنانی که یک نسل از من بزرگ‌تر بودند شنیدم که در نیم‌سال ششم تحصیل که پسرها به کاوش برده می‌شدند و دخترها به موزه چه فشار روانی هولناکی را تحمل می‌کرده‌اند. بعدتر همین دیدگاه به شکل فشارهای جنسیتی، دیوانه خواندن زنان، آزارهای جنسی و امثالهم ادامه داشته است. نتیجه‌ی مشخص این روند، تاریخی است سراسر مردانه که زنان، کودکان، دگرباشان، توان‌خواهان از آن حذف شده‌اند. تاریخ جنگ، سخت‌کشی و ویرانی به جای تاریخ آدمی.

\*\*\*

در هفته‌های گذشته با صدها روایت تعرض و تجاوز در فضای مجازی مواجه شده‌ایم. روایت‌ها از نظر آشنایی با آزارگر به دو دسته تقسیم می‌شوند، آزارگران غریبه و آشنا. در مورد آزارگران آشنا از منظر محل آشنایی دو دسته‌ی کلی وجود دارد، آزارگرانی که در محیط کار، دانشگاه، کارگاه و در حین همکاری قربانی را انتخاب کرده‌اند و آزارگرانی که در محیط‌های دیگر مانند محیط‌های خانوادگی و میهمانی‌ها قربانیان را

<sup>۱</sup> - از سندهای خوانده و تحلیل شده توسط نگارنده. در دست انتشار

مورد آزار قرار داده‌اند. از منظر تعدد روایت‌ها به نظر می‌رسد، روایات زنانی که آزارگرا نشان آن‌ها را در محیط‌های کار انتخاب/شکار کرده‌اند بیش از دیگران است. این تعدد ممکن است به این دلیل باشد که زنان تحصیل کرده و شاغل دسترسی بیشتری به فضاهای مجازی دارند یا حتی این‌که روایت را زودتر از زنان غیرشاغل آغاز کرده‌اند. با این حال همین روایت‌ها که با هشتگ #تجاوز و اسامی متجاوزین در فضاهای مجازی به اشتراک گذاشته شده‌اند، خود می‌توانند به‌عنوان بستری برای تحلیل این موضوع که فضای کاری در ایران برای زنان ناامن است ملاحظه شوند.

\*\*\*

در سال ۱۳۵۷<sup>۱</sup> جمعیت روستایی و شهرنشین در ایران به عددی برابر می‌رسند. شهرها از جمعیت انبوهی سرشار می‌شود که به تدریج با نظم نوین شهرنشینی آشنا می‌شوند، رویدادی که در شکل‌گیری و پی‌آمدهای انقلاب بی‌تاثیر نیست. همین اتفاق در افزایش تعداد دختران دانشجو نیز می‌افتد.<sup>۲</sup> اما به محض وقوع انقلاب، زنان، اولین اهداف یکسان‌سازی می‌شوند. اجباری شدن حجاب تنها یکی از فشارهایی است که بر زنان آورده می‌شود. رویداد دیگری که امروز کمتر در مورد آن سخن گفته می‌شود، تغییر در قواعد مراکزی است که زنان در آن کار می‌کرده‌اند. زنان قاضی از دادگستری کنار گذاشته می‌شوند، بسیاری از زنان هیئت علمی دانشگاه مجبور به ترک محل کار می‌شوند<sup>۳</sup> و در صورت مقاومت با عواقبی روبه‌رو می‌شوند، زنان شاغل در بخش‌های

۱- نک. ساعی ارسی، ایرج. ۱۳۹۲. تحلیل روند تحولات شهرنشینی در استان‌های ایران (۸۵- ۱۳۳۵). *مطالعات علوم اجتماعی ایران* ۱۰ (۳۷): ۴۲-۷۲.

۲- <https://b2n.ir/423289> - ترکیب جنسیتی در دانشگاه‌ها

۳- برای شنیدن یک روایت دست اول مراجعه کنید به مصاحبه با هما ناطق. تاریخ شفاهی ایران،

درمانی مجبور به پذیرش لباسی می‌شوند که کار کردن در آن سخت و طاقت‌فرساست و زنان خواننده، رقصنده، و هنرمند و ورزشکار تقریباً به‌تمامی از جامعه حذف می‌شوند.<sup>۱</sup> بنابر گزارش مهناز متین و ناصر مهاجر،<sup>۲</sup> بسیاری از زنان معترض به اجباری شدن حجاب پیش‌بینی می‌کرده‌اند که به تدریج از فضای کار کنار گذاشته شوند و از این رو به نظر می‌رسد قیام زنان در اسفند سال ۵۷ نه‌تنها در مورد حجاب که فراگیرتر از آن در باب رژیم جنسیتی جدید بوده باشد.

پیش از انقلاب ۱۳۵۷ به ویژه در فرایند اصلاحات ارضی زنان روستایی فشار اجتماعی قابل توجهی را متحمل شده بودند. از آنجا که حاکمیت در بیشتر روستاهای اصلاحات ارضی شده، تنها مالکیت مردان [سرپرست خانوار] را به رسمیت شناخته بود.<sup>۳</sup> زنان روستایی که در پی تغییر رژیم اقتصادی مجبور به مهاجرت به شهرها می‌شدند، به علت از دست دادن همین زمینها تا حد زیادی امکانهای اقتصادیشان را از دست داده بودند. این وضعیت بعد از ۱۳۵۷ به زنان شهری تعمیم یافت. در دهه ۱۳۶۰، و در حین جنگ ایران و عراق، کم‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ اشتغال زنان ایرانی ثبت شده است.<sup>۴</sup> جنگ به نفع مردانه کردن بیشتر فضا پیش رفت. آن‌چنان که دیگر حتی تصاویر زنان از پروپاگاندا حذف شد. بعد از جنگ نیز به نظر نمی‌رسد

۱- نک. <https://b2n.ir/836153>. موی زن ایرانی در گفتگو با سوسن تسلیمی

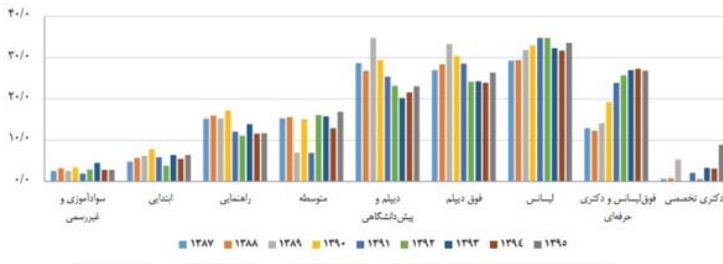
۲- متین، مهناز و ناصر مهاجر. ۱۳۹۲. *خبرش زنان در اسفند ۱۳۵۷*. نشر نقطه

۳- پاپلی یزدی، ل. م.، دزم خوی، ع. گاراژیان، ح. موسوی و گ. سلیمانی. ۱۳۹۷. *باستان‌شناسی سیاست‌های جنسی و جنسیتی در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی*. تهران: نگاه معاصر.

۴- نک. علالدینی، پویا و رضا رضوی. ۱۳۸۳. *وضعیت مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان*. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی* ۳(۱۲): ۲۳۴/۱۹۴.

اراده ای سعی در وارد کردن دوباره زنان به بازار کار کرده باشد از آنجا نزدیک به دو دهه است نرخ اشتغال زنان در حدود سیزده درصد باقی مانده و رشد نکرده است.

امروزه رتبه‌ی ایران در شکاف جنسیتی،<sup>۱</sup> ۱۴۸ است و در سال ۲۰۱۹، تنها پنج کشور سوریه، کنگو، یمن، عراق و پاکستان وضعی بدتر از ایران دارند. بر اساس همین آمار، نرخ مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان در ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌ها در جهان است. که در این بین زنان با تحصیلات دانشگاهی نرخ بیکاری بالاتری نسبت به زنان کم‌تر تحصیل کرده دارند (تصویر ۱).



تصویر ۱- نرخ بیکاری زنان باسواد در سالهای ۸۷ تا ۹۵

(مرکز آمار ایران، بررسی شاخص‌های عمده بازار کار)

\*\*\*

پروپاگاندای بعد از انقلاب ۱۳۵۷، بر تحریک‌آمیز بودن بدن زن تأکید دارد. استاندارد زن خوب تعریف شده در تلویزیون جمهوری اسلامی موجودی است سراپا پوشیده بدون تقریباً هیچ حرکتی. همانطور که در یادداشت دیگری تأکید کرده‌ام، زنانی که سعی در شکستن سدهای موجود داشته‌اند فاحشه، روسپی، برپاکننده‌ی خانه‌ی فساد،

<sup>۱</sup> -Global gender gap report, 2019.

[http://www3.weforum.org/docs/WEF\\_GGGR\\_2020.pdf](http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2020.pdf)

فریب‌خورده، زشت، برهنه و عریان<sup>۱</sup> خوانده شده‌اند. وجود گشت ارشاد، تأییدکننده‌ی این دیدگاهها در سطحی اجتماعی است. روی دیگر سکه‌ی روسپی خواندن زنان دارای عاملیت اجتماعی، تلاش برای آن است که او را موجودی ساده، بدون هوشیاری و دارای استعداد فریب خوردن نشان دهند. از منظر پروپاگاندا، این موجود ضعیف، جز در پناه مردان استاندارد سیستم نمی‌تواند و نباید کنشی نشان دهد.

سال‌ها چنین تبلیغی از زن در محیط کار موجودی مزاحم، اغواگر و فریب‌کار ساخته که پذیرندگان رژیم جنسیتی جدید تلاش می‌کنند او را پس بزنند. در مورد زنان، بحث اصلی سیستم هل دادن زنان به مرزهای بدن‌شان است. «زن تنها به‌مثابه تن» و نه اندیشه و نه اختیار و نه ذهن/ذهنیت. چنین راهکارهایی است که محیط‌های کار را برای زنان ناامن می‌کند و همین یکی از دلایل متعدد کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان در ایران است.

\*\*\*

در این نوشتار کوتاه تلاش کردم تا تأکید کنم تجاوز/ آزار/ تعرض جنسی در ایران تا حد زیادی سازماندهی شده و سیستماتیک است. حتی افرادی که بیرون از محیط‌های کاری آزار می‌رسانند در یک معنای کلی تحت تأثیر پروپاگاندا و تبلیغات و آموزش و پرورش بوده‌اند. البته این هیچ از مسئولیت فردی آزارگران کم نمی‌کند بلکه این فرض نشان می‌دهد که اتفاقاً علاوه بر لذت‌جویی فردی، اینان دست در دست ساختار سرکوب، به کاهش روند توسعه در ایران با حذف نیمی از نیروی کار، کم شدن اشتغال زنان و ناامن شدن فضای کاری یاری رسانده‌اند.

\*\*\*

---

۱- <https://b2n.ir/926607> - جهیکای رام نشدنی

روایت‌های تجاوز و تعرض نه فقط رویدادهای فردی که بخشی از تاریخ توسعه‌نیافتگی در ایران است. روایت‌هایی که نشان می‌دهد رویکرد برخی آزارگران بر درخواست بخشش از افراد آسیب‌دیده تا حد زیادی موضعی غیرمسئولانه نسبت به اتهامی است که به آنها وارد شده، از آن رو که بزه آن‌ها نه لزوماً نسبت به یک فرد که نسبت به یک جامعه اتفاق افتاده است. در یک مقیاس کلان، این روایت‌ها نشانگر چرایی عدم مشارکت بخش بزرگی از جامعه در میدان کار و دلیلی غایی بر بحث‌های گوناگونی است که بر این فرض استوار بوده‌اند که موانع بسیاری در فضای کاری ایران برای پذیرش زنان وجود دارد.<sup>۱</sup> از این رو روایت‌های یاد شده نه فقط از منظر جنسیت که از منظر اجتماعی/سیاسی و همچنین رویکردهای سرکوب نیز قابل توجه و صورت‌بندی است.

\*\*\*

وضعیت اقتصادی و فشارهای اجتماعی به‌ویژه بعد از آبان ۹۸، به‌وضوح نشان می‌دهد که نظم‌های پیشین شکست خورده‌اند. در این میان پایین بودن نرخ اشتغال زنان، مزید بر سایر فشارها شرایط اقتصادی و معیشتی زنان طبقات متوسط و فرودست را در محصمه قرار داده است. بسیاری سالهاست کارهای بدون بیمه و با حق حداقل دستمزد انجام می‌دهند که فاقد قرارداد و امنیت شغلی است اما در شرایط اقتصادی فعلی در نمی‌تواند بر همین پاشنه بچرخد. برای زنان بسیاری راهی جز بازپس‌گیری میدان باقی نمانده است. زنان نسل جوان، آرام‌آرام می‌آموزند که چطور باید به میدان بازگشت و واضح است که بازگشت به میدان از شفاف کردن فضا، افشای عواقب و چرایی کم‌بودن مشارکت تا امروز می‌گذرد. اگر اراده‌ای برای بهبود فضا وجود ندارد، آنان شاید خود

<sup>۱</sup> - نک. رفعت جاه، مریم و فاطمه خیرخواه. ۱۳۹۲. مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی ۱ (۲): ۱۳۰-۱۵۶.



از همین امکانات محدود مانند شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده بتوانند به‌عنوان پایه‌ای برای تغییر استفاده کنند.

روایت‌ها به‌ویژه آن‌ها که با نام و نشانی دقیق آزارگر منتشر می‌شوند به‌طور مشخص رابطه‌ی آن فرد با ساختار مردسالار / سلطه را معلوم می‌کند، فرای این‌که فرد در روزمره، خود را منتقد همان سیستم نشان داده باشد یا نه. سال‌ها سیستم حاکمیتی از ابزارهایی مانند طویل کردن مدت تحصیل برای به تأخیر انداختن زمان ورود به کار استفاده کرده اما پیش‌بینی نکرده که همین فرصت‌های محدود را زنان مورد استفاده قرار داده‌اند تا به تدریج بر فضای فشار فائق آیند. حالا هم روایت‌های تعرض، جامعه و ساختار سیاسی را در مقابل مونولوگی قرار داده که چه به آن پاسخ بدهد چه ندهد، روایتگر آن دست پیش دارد.



برای من که روزگاری در افشای ناامنی فضای کاری خودم برای زنان کوشیدم، خواندن روایات راویان حسرت‌بارتر است، چه اگر آن سالها این روایات جدی گرفته و به گفتمان بدل می‌شد ممکن بود بشود دست‌کم نفراتی از نسل جوان را نجات داد. ما پس زده شدیم و اجتماعات صنفی‌مان کوشیدند با اعتبارزدایی از مای افشاکننده خودشان را در سایه‌ی امنیت مردسالاری حفظ کنند. حالا پرده‌ها برافزوده و از فضای روزگار یکی از متواترترین روایت‌های تجاوز و تعرض در باب دانشجوی سابق رشته‌ی باستان‌شناسی ارائه شده است. تا امروز توضیحی نشنیده‌ایم که در چه زمینه و در چه فرایندی چنین بزه مخوفی سال‌ها شکل گرفته، توجیه شده، پنهان شده و به زیست خود ادامه داده است. سکوت اجتماع صنف پیشین من استعاره‌ای از سکوت مرگباری است که امروز در مقیاسی کلان از توجیه‌کنندگان ساختار قدرت می‌شنویم. واقعیت ترسناک اما برای آنان این است که تاریخ نشان داده نظم‌های اجتماعی ابدی

نیستند، فرودستان با بلند کردن صدایشان سرانجام روزی جایگاه‌های فرادستی را متزلزل می‌کنند، چنان‌که بارها این روند روی داده است - آن لحظه، همان وعده‌ی باستانیِ «دارِ مکافات» بودن دنیا است. تا در آن لحظه کجا ایستاده باشیم...